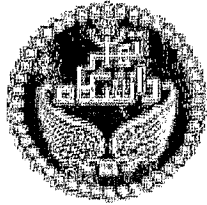


١٥٧٢٦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣٨٦ / ١٢ / ١٥

٩٨٢١٦



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

سیاست گذاری نوآوری

نگارش: باقر قائمی اصل

استاد راهنما:

دکتر سید احمد موثقی

استاد مشاور:

دکتر کیومرث اشتریان

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در

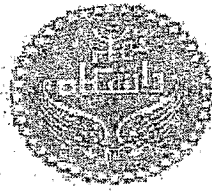
مطالعات ایران و سیاستگذاری عمومی

کتابخانه مرکزی
دانشگاه تهران

۱۵ / ۱۲ / ۱۳۸۶

آذر ماه ۱۳۸۶

۹۸۷۱۶



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی علوم سیاسی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: باقر قائمی اصل

گرایش:

در رشته: علوم سیاسی

با عنوان: سیاستگذاری نوآوری

را در تاریخ: ۱۳۸۶/۱۱/۲۰

به عدد	به حروف
۱۸,۵	هجده و پنج

با نمره نهایی:

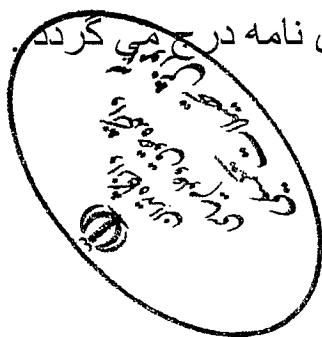
ارزیابی نمود.

عالی

با درجه

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر احمد موثقی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر کیومرث اشتریان	استادیار	"	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر عباس مصلی نژاد	استادیار	"	
۴	استاد مدعو	دکتر بدیع		سرپرست تحصیلات تکمیلی	
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر سید رحیم ابوالحسنی	استادیار	"	

تذکر: این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.





جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

اداره کل تحصیلات تکمیلی

شماره _____
تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۶
پوست _____

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب ^{اصل} با اینجانب ^{اصل} منکهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو
امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸
فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

تقدیم به :

« مه _____ سا » ؛ فانوس زندگیمان

و

همه خدمتگزارانی که در راه توسعه و پیشرفت ایران

عقلانیت را سرلوحه تصمیمات خویش قرار می دهند

تا فردا در « محکمه مهساها » محکوم نشویم .

چکیده:

فرایند نوآوری از آن دست مسائلی است که شرایط پیچیده ای دارد و تحت تاثیر ابعاد مختلفی قرار دارد، با دخیل شدن عوامل گوناگون در فرایند نوآوری سیستم پیچیده ای به وجود می آید به همین علت درک فرایند نوآوری و ارائه راه حل مناسب برای آن مسئله ای بغرنج می باشد؛ چرا که ما خود را با مشکلاتی مواجه می بینیم که مجموعه ای پیچیده را به وجود آورده اند. این موضوع ضرورت تعریف و بررسی فرآیند نوآوری را با نگرش سیستمی و بهره گیری از علم سایبرنتیک مسلم کرده است. پس؛ ما با بهره گیری از علم سایبرنتیک و نگرش سیستمی (مناسب برای مسائل پیچیده) و تکنیک های تحلیلی مربوطه، مسئله نوآوری و عوامل تاثیر گذار بر آن را مورد بررسی قرار می دهیم، واز منظر سیاست گذاری عمومی (دولت در عمل) نقش دولت در کارآمدی سیاست های نوآوری را بررسی می کنیم.

از آنجایی که یک سیستم به عنوان یک کل نتیجه تعاملات بین اجزاء آن می باشد که عملکرد آن متفاوت از عملکرد مستقل اجزاء می باشد پس چیزی متفاوت از حاصل جمع ساده اجزاء می باشد بنابراین تلاش برای بهبود عملکرد اجزاء مستقل بدون توجه به اثرات آن بر عملکرد کل نه تنها به بهبود عملکرد سیستم نمی انجامد، بلکه ممکن است کاهش عملکرد آن را در پی داشته باشد و از طرف دیگر در هیچ سیستمی جزء نمی تواند بر کل مدیریت و نظارت کند و کارکرد آن را تنظیم و هدایت نماید. بر این اساس سیستم نوآوری از این قاعده مستثنی نیست پس لزوم تاسیس مدیریت سیستم نوآوری طوری که رسالت آن هماهنگی بین بخشی، جهت تسهیل امر نظارت فرا بخشی و کمک به فرایند سیاست گذاری کارآمد، به منظور فراهم آوری فرآیندی مرکزی، نوین و کارا در سیستم نوآوری و تصمیم سازی جهت ارتقا و بهبود عملکرد نظام ملی نوآوری، مستلزم شناسایی دقیق اجزاء این سیستم و شرایط و تعاملات لازم درون سیستم می باشد. تا بتوان برنامه هایی اجرایی به منظور توانمند سازی آن ارائه کرد و به دنبال آن بتوان ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی را به عنوان هادی سیاست های نوآوری ساماندهی کرد

به عبارتی دیگر لزوم ایجاد سامانه ای در کشور که در چارچوب یک سیستم، رسالت ها و ماموریت های این اجزاء و مولفه ها را در راستای تحقق اهداف سیستم هماهنگ و هدایت کند ضروری است. از آن جایی که فرآیند نوآوری فرا بخشی است باید یک سازمان فرا بخشی نقش هماهنگ کننده و پیش برنده فعالیت های اجزاء را بر عهده گیرد، که توانایی اتخاذ یک سیاست ملی منسجم و هماهنگ با نظارت فرا بخشی را داشته باشد.

کلید واژه:

سیاست گذاری عمومی، سیاست گذاری نوآوری، رویکرد سیستمی، نظام ملی نوآوری، نوآوری.

تشکر و تقدیر :

در اینجا ضمن سپاس بیکران به درگاه حضرت حق به دلیل توفیق در کسب علم و تحصیلاتم و تقدیر و تشکر از همه معلمان و اساتید بزرگواری که در سایه آموختن، حق بزرگی بر گردن بنده دارند ، سزاوار است از استاد راهنمای عزیزم جناب آقای دکتر سید احمد موثقی و جناب آقای دکتر کیومرث اشتریان به عنوان استاد مشاور که با صبر و متانت و کمک های بی دریغشان یاری گر من در انجام این کار بوده اند تشکر و قدردانی نمایم .

فهرست مطالب

ج	مقدمه.....
خ	کلیات پژوهش.....

فصل اول: ادبیات نظری تحقیق..... ۱

۲	۱-۱ نوآوری و تحولات جهانی؛ نقش نوآوری در اقتصاد دانش محور.....
۵	۲-۱ مفهوم نوآوری.....
۹	۳-۱ انواع نوآوری.....
۱۱	۴-۱ اجزاء تشکیل دهنده ی نوآوری.....
۱۲	۵-۱ ویژگی های نوآوری.....
۱۲	۶-۱ مدیریت نوآوری در پرتو سرمایه دانش.....
۱۸	۷-۱ نقش مدیریت سرمایه ی دانش در تقویت فرهنگ نوآوری.....
۲۳	۸-۱ رویکرد ساختاری استرنج.....
۲۴	۹-۱ فرضیه Catch-up: پر کردن شکاف یا جهش.....
۲۷	۱۰-۱ مدل مثلث نوآوری.....
۲۸	۱۱-۱ تئوری سیکل زندگی محصول.....
۳۰	۱۲-۱ نوآوری از دیدگاه جوزف شومپتر.....
۳۱	۱۳-۱ نوآوری و کارآفرینی.....
۳۱	۱۴-۱ سیاستگذاری نوآوری مبتنی بر ناکامی بازار.....
۳۲	۱۵-۱ دیدگاه جوزف هیم.....
۳۲	۱۶-۱ دیدگاه ژوزف بوردونیا.....

فصل دوم: سیاست گذاری عمومی و رویکرد سیستمی به مسائل..... ۳۴

۳۵	۱-۲ سیاستگذاری عمومی.....
۳۷	۲-۲ انواع سیاستگذاری.....
۳۹	۱-۲-۲ رویکرد تحلیلی.....
۴۰	۲-۲-۲ رویکرد سیستمی و سیاست گذاری سیستمی.....
۴۰	۱-۲-۲-۲ تعریف سیستم.....

۴۳.....	۲-۲-۲-۲ رویکرد سیستمی.....
۴۵.....	۳-۲-۲-۲ چرایی رویکرد سیستمی به مسائل.....
۴۵.....	الف - رویکرد سیستمی و جلوگیری از ایجاد زیر ساختهای مستقل.....
۴۷.....	ب - رویکرد سیستمی و انسجام سیاسی.....
۴۸.....	ج - صورت بندی مشکلات سیاسی.....
۵۱.....	۳-۲ شیوه سیاستگذاری سیستمی.....
۵۳.....	۴-۲ ماهیت سیستمی نوآوری.....

فصل سوم: رویکرد سیستمی به نوآوری؛ چارچوبی برای ساماندهی سیاستها..... ۵۶

۵۷.....	۱-۳ ماهیت رویکرد سیستمی به نوآوری.....
۵۹.....	۲-۳ مفهوم سیستم ملی نوآوری.....
۶۲.....	۳-۳ چارچوب کلی نظام ملی نوآوری.....
۶۶.....	۴-۳ مولفه ها یا عناصر سازنده نظام ملی نوآوری.....
۶۸.....	۵-۳ کارکردها و فعالیتهای نظام ملی نوآوری.....
۷۰.....	۶-۳ ویژگیهای رویکرد نظام ملی نوآوری.....
۷۲.....	۷-۳ تحلیل سیستم نوآوری.....
۷۴.....	۸-۳ تعامل اجزاء نظام ملی نوآوری با یکدیگر.....
۷۴.....	۸-۳-۱ دانشگاهها و دیگر موسسات خلق دانش و تعامل با دیگر اجزاء نظام.....
۷۵.....	۸-۳-۲ موسسات پژوهش و نوآوری (صنعت) در نظام ملی نوآوری.....
۷۵.....	۸-۳-۳ نقش دولتها در نظام ملی نوآوری.....
۷۸.....	۹-۳ نظام ملی نوآوری و تعامل با دنیای خارج.....
۷۸.....	۱۰-۳ اجرای فرایند نوآوری.....
۷۹.....	۱۱-۳ سیستم ملی نوآوری به عنوان چارچوبی برای تدوین سیاست گذاری نوآوری.....

فصل چهارم: سیاست گذاری در رویکرد نظام ملی نوآوری..... ۸۴

۸۵.....	۱-۴ سیاستگذاری نوآوری.....
۸۶.....	۲-۴ چهار پایه سیاستگذاری نوآوری.....
۸۷.....	۳-۴ عوامل تعیین کننده موفقیت سیاستگذاری نوآوری.....

۴-۴	سیاست گذاری در رویکرد نظام ملی نوآوری	۸۸
۴-۴-۱	کارکرد های دولت در سیستم ملی نوآوری	۸۸
الف:	کارکردهای انحصاری دولت	۹۰
ب:	کارکردهای اجرائی مشترک	۹۱
۴-۵	شناخت نقش سیاست گذاری در سیستم های نوآوری	۹۵
۴-۶	اصول سیاست گذاری نوآوری در رویکرد سیستمی به نوآوری	۹۶
۴-۷	کارکرد های رویکرد سیستمی به نوآوری در سیاست گذاری نوآوری	۹۸
۴-۷-۱	دانش، یادگیری و نوآوری در مبانی کلی علم اقتصاد	۹۸
۴-۷-۲	دانش، یادگیری و نوآوری در رویکرد سیستمی به نوآوری	۱۰۱
۴-۸	فعالتهای مورد نیاز در سیستم نوآوری	۱۰۳
۴-۹	ارتباط بین فعالتهای درون سیستم های نوآوری با سیاست گذاری نوآوری	۱۱۱
۴-۹-۱	تدارک ورودی های دانش برای فرایند های نوآوری	۱۱۱
۴-۹-۲	تامین فاکتورهای طرف تقاضای بازار	۱۱۲
۴-۹-۳	تامین بخش های لازم برای سیستم نوآوری	۱۱۲
۴-۹-۴	خدمات حمایتی برای بنگاههای نوآور	۱۱۲
۴-۱۰	تدارک ورودی های دانش برای فرایند های نوآوری	۱۱۳
۴-۱۰-۱	تدارک R&D	۱۱۳
۴-۱۰-۲	ایجاد رقابت	۱۱۵
۴-۱۱	جمع آوری موارد مورد نیاز و تشکیل بازار بر اساس تقاضا	۱۱۶
۴-۱۲	ایجاد زیرساخت های نوآوری	۱۱۶
۴-۱۲-۱	ایجاد و تغییر سازمانها	۱۱۶
۴-۱۲-۲	یادگیری تعاملی، شبکه ای و تکامل دانش	۱۱۸

فصل پنجم: سیستم ملی نوآوری ایران..... ۱۲۰

۵-۱	رویکردهای مختلف به مطالعات تجربی نظام های ملی نوآوری	۱۲۱
۵-۲	تجربه شرق آسیا و درس هایی برای کشورهای در حال توسعه	۱۲۲
۵-۳	چارچوب کلی نظام ملی نوآوری ایران	۱۲۴

۱۲۷.....	۴-۵ عملکرد نظام ملی نوآوری ایران.....
۱۲۸.....	۵-۵ نقاط ضعف نظام ملی نوآوری ایران.....
۱۲۸.....	۱-۵-۵ اقتصاد دولتی.....
۱۲۹.....	۲-۵-۵ ضعف سرمایه گذاری و فرار سرمایه ها.....
۱۳۱.....	۳-۵-۵ پارک های علمی و ضعف ارتباط بین صنعت و دانشگاه.....
۱۳۲.....	۴-۵-۵ عدم انتشار تکنولوژی و ارتقای کارآفرینی تکنولوژی.....
۱۳۵.....	۶-۵ علل ضعف.....
۱۳۸.....	۷-۵ طراحی ساز و کاری مناسب برای سیاستگذاری نوآوری.....
۱۴۵.....	فصل ششم : نتیجه گیری.....
۱۵۲.....	منابع و مآخذ.....

فهرست جدول ها :

۱۱.....	جدول ۱-۱ مؤلفه های نوآوری.....
۱۰۷.....	جدول شماره ۱-۴ فعالیتهای سیستم نوآوری.....

فهرست شکل ها:

۱۵.....	شکل ۱-۱ علائم مدیریت نوآوری در پرتو سرمایه ی دانش.....
۱۸.....	شکل شماره ۲-۱ چارچوب فرآیند دانش.....
۲۱.....	شکل شماره ۳-۱ الگوی نوناکو : فرآیند چهارگانه ایجاد دانش.....
۲۷.....	شکل شماره ۴-۱ مدل مثلث نوآوری.....
۵۹.....	شکل شماره ۱-۳ نمای ساده از فرایند نوآوری.....

مقدمه :

در دهه های پایانی قرن بیستم نویسندگان بزرگی مانند آلوین تافلر، پیتر دراگر، جیمز برین، ظهور جامعه جدید با اقتصاد نوین را مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند. همه این نویسندگان متفق القول به این نتیجه رسیده اند که در جامعه دانش قرن بیست یکم رمز موفقیت، بکارگیری علم و نهایتاً نوآوری است. پیتر دراگر اهمیت موضوع را چنین بیان کرده است: «تنها مسئله ای که مهم است نوآوری است».

چرا که تحول در سیستم های تولید و مدیریت منجر به گذر از عصر کشاورزی و ورود به عصر صنعت شد حرکت از عصر صنعت به عصر دانش که امروزه در حال انجام است نیز چنین تحولی است. در عصر دانش توانایی در کسب مداوم و بکارگیری دانش (در یک کلام نوآوری) عامل متمایز کننده ملتها و جوامع از همدیگر می باشد در اقتصاد صنعتی قرن بیستم که تحت فشار کمبود ها و نقیصه ها قرار داشت تولید کالا و خدمات اصلی حیاتی بود و ضامن ترقی و پیشرفت ولی در اقتصاد دانش محور قرن بیست یکم که اقتصاد رفاه و فراوانی است «نوآوری» حیاتی ترین اصل و ضامن ترقی و پیشرفت جوامع می باشد.

جهانی سازی اقتصاد، انعطاف پذیری بازارها، تحولات سریع تکنولوژی و تغییرات در تقاضا از مهمترین عواملی هستند که منجر به نوآوری می شوند. اقتصاد جدید بر رقابت پذیری شگرف مبتنی است که به دنبال فتح هر چه بیشتر مرزهای مبادلات تجاری و مالی و سرمایه های خارجی است. پس جهانی سازی از این منظر منجر به فتح بازارهای جدید و ظهور رقابت جهانی شد کما اینکه اقتصاد کنونی نیز شاهد تحولات سریع و خیره کننده ای در تکنولوژی است که منجر به دگرگونی و عدم ثبات در بازارها و نیز دگرگونی در صنایع می شود. به طوری که ساختار بیشتر صنایع، هرچه بیشتر به سوی صنایع دانش و تکنولوژیهای برتر می رود.

در کنار این عدم ثبات تغییرات ریشه ای بزرگی در تقاضا نیز بوجود آمده است یعنی موسسات برای این ظهور پیدا کرده اند که پاسخگوی تعداد روز افزون تقاضاهای جدید مصرف کنندگان باشند؛ زیرا مصرف کنندگان شروط متعددی را بر موسسات تحمیل می کنند و بر بهبودی دائم کیفیت و رسیدن به استاندارد های جهانی به شدت اسرار دارند و این امر باعث می شود که موسساتی که قادر به بکارگیری نیروی نوآوری نباشد نتوانند پاسخ گوی شرایط بازار باشد بنابراین در پرتو چنین فضای اقتصادی جدیدی، مشتری به عنوان حاکم اصلی بازی محسوب می شود و این چیزی است که بر موسسات ایجاد می نماید که یاد بگیرند چگونه از « روند کاری مبتنی بر دیکتاتوری عرضه » به سوی « قانون دموکراسی تقاضا » حرکت کنند.

همه این تلاشهای گسترده در زمینه دانش و تکنولوژی، منجر به خلق اقتصادی جدید شده اقتصادی که در آن دانش به عنوان مهمترین فاکتور در عملیات خلق ثروت محسوب می شود. نقش دانش در تولید ثروت چنان اساسی است که بعضی اقتصاددانان تغییر نظام اقتصادی را چنین تعریف می نمایند: انتقال از سرمایه داری صنعتی که مبتنی بر تولید هر چه بیشتر کالاهای سنتی بود به سوی سرمایه داری دانش که مبتنی بر دانش و پتانسیل رقابتی نوآوری دائم است. (دراکر، ۱۳۷۳، صص ۴۴۰-۴۵۶) و این همان چیزی است که ویژگی رقابتی یک موسسه رادر شرایط اقتصاد کنونی در مسئله نوآوری متبلور می سازد.

از طرف دیگر فرآیند نوآوری از آن دست مسائلی است که شرایط پیچیده ای دارد و تحت تاثیر ابعاد مختلفی قرار دارد، با دخیل شدن عوامل گوناگون در فرآیند نوآوری سیستم پیچیده ای به وجود می آید به همین علت درک فرآیند نوآوری و ارائه راه حل مناسب برای آن مسئله ای بغرنج می باشد؛ چرا که ما خود را با سیستم مشکلاتی مواجه می بینیم که مجموعه ای پیچیده را به وجود آورده اند. این موضوع ضرورت تعریف و بررسی فرآیند نوآوری را با نگرش سیستمی و بهره گیری از علم سایبرنتیک مسلم کرده است. پس ما با بهره گیری از علم سایبرنتیک و نگرش سیستمی (مناسب برای مسائل پیچیده) و تکنیک های تحلیلی مربوطه مسئله نوآوری و عوامل تاثیر گذار بر آن را مورد بررسی قرار می دهیم و از منظر سیاست گذاری عمومی (دولت در عمل) نقش دولت در کارآمدی سیاست های نوآوری را بررسی می کنیم.

بر این اساس ما پس از پرداختن به مفهوم نوآوری و آشنایی با کلیات ادبیات نظری مربوط به نوآوری، به بررسی سیاست گذاری عمومی به عنوان یک شاخه اصلی در سیاست گذاری می پردازیم. در این قسمت تعاریف مختلف سیاست گذاری عمومی، اهداف و نقش های آن، ویژگی ها، و قلمرو سیاست های عمومی همچنین انواع طبقه بندی های مختلف سیاست ها ارائه می گردد.

پس از تبیین مفهوم سیاست گذاری عمومی، در ادامه با توجه به موضوع تحقیق، سیاست نوآوری به عنوان یکی از سیاست های عمومی به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در ابتدا به فلسفه-ی وجودی سیاست گذاری نوآوری، اهداف و نقش آن، و نیز اصول مربوطه، و موضوعات اصلی در رابطه با این سیاست ها پرداخته می شود. سپس ملزومات و پیش نیازهای اولیه سیاست نوآوری و نیز طبقه بندی انواع این سیاست ها بررسی می گردد. با توجه به اهمیت سیاست نوآوری فرآیند تدوین سیاست ها، چارچوب و مکانیزم های تدوین سیاست، ابزارها، و مراحل تدوین سیاست نوآوری مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در ادامه سیستم ملی نوآوری را به عنوان چارچوبی برای تدوین سیاست نوآوری مورد بررسی قرار می دهیم.

کلیات پژوهش

شرح و بیان مساله پژوهشی:

فرایند نوآوری از آن دست مسائلی است که شرایط پیچیده ای دارد و تحت تاثیر ابعاد مختلفی قرار دارد، با دخیل شدن عوامل گوناگون در فرایند نوآوری سیستم پیچیده ای به وجود می آید به همین علت درک فرایند نوآوری و ارائه راه حل مناسب برای آن مسئله ای بغرنج می باشد؛ چرا که ما خود را با سیستم مشکلاتی مواجه می بینیم که مجموعه ای پیچیده را به وجود آورده اند. این موضوع ضرورت تعریف و بررسی فرایند نوآوری را با نگرش سیستمی و بهره گیری از علم سایبرنتیک مسلم کرده است. پس ما با بهره گیری از علم سایبرنتیک و نگرش سیستمی (مناسب برای مسائل پیچیده) و تکنیک های تحلیلی مربوطه به مسئله نوآوری و عوامل تاثیر گذار بر آن را مورد بررسی قرار می دهیم و از منظر سیاست گذاری عمومی (دولت در عمل) و نقش دولت در کارآمدی سیاست های نوآوری را بررسی می کنیم.

از آنجایی که یک سیستم به عنوان یک کل نتیجه تعاملات بین اجزاء آن می باشد که عملکرد آن متفاوت از عملکرد مستقل اجزاء می باشد، پس چیزی متفاوت از حاصل جمع ساده اجزاء می باشد بنابراین تلاش برای بهبود عملکرد اجزاء مستقل بدون توجه به اثرات آن بر عملکرد کل، نه تنها به بهبود عملکرد سیستم نمی انجامد بلکه ممکن است کاهش عملکرد آن را در پی داشته باشد، و از طرف دیگر در هیچ سیستمی جزء نمی تواند بر کل مدیریت و نظارت کند و کارکرد آن را تنظیم و هدایت نماید بر این اساس سیستم نوآوری از این قاعده مستثنی نیست پس لزوم تاسیس مدیریت سیستم نوآوری طوری که رسالت آن هماهنگی بین بخشی جهت تسهیل امر نظارت فرا بخشی و کمک به فرایند سیاست گذاری کارآمد به منظور فراهم آوری فرآیندی مرکزی، نوین و کارا در سیستم نوآوری و تصمیم سازی جهت ارتقا و بهبود عملکرد نظام ملی نوآوری، مستلزم شناسایی دقیق اجزاء این سیستم و شرایط و تعاملات لازم درون سیستم می باشد. تا بتوان برنامه هایی اجرایی به منظور توانمند سازی آن ارائه کرد و به دنبال آن بتوان ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی را به عنوان هادی سیاست های نوآوری ساماندهی کرد.

ضرورت و اهمیت موضوع :

تحول در سیستم های تولید و مدیریت منجر به گذر از عصر کشاورزی و ورود به عصر صنعت شد حرکت از عصر صنعت به عصر دانش که امروزه در حال انجام است نیز چنین تحولی است . در عصر دانش توانایی در کسب مداوم و بکار گیری دانش (در یک کلام نوآوری) عامل متمایز کننده ملتها و جوامع از همدیگر می- باشد در اقتصاد صنعتی قرن بیستم که تحت فشار کمبود ها و نقیصه ها قرار داشت تولید کالا و خدمات اصلی حیاتی بود و ضامن ترقی و پیشرفت ولی در اقتصاد دانش محور قرن بیست یکم که اقتصاد رفاه و فراوانی است «نو آوری» حیاتی ترین اصل و ضامن ترقی و پیشرفت جوامع می باشد .

در دهه های پایانی قرن بیستم نویسندگان بزرگی مانند آلوین تافلر، پیتر دراگر، جیمز برین ظهور جامعه جدید با اقتصاد نوین را مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند . همه این نویسندگان متفق القول به این نتیجه رسیده اند که در جامعه دانش قرن بیست یکم رمز موفقیت بکار گیری علم، و نهایتا نوآوری است. پیتر دراگر اهمیت موضوع را چنین بیان کرده است: «تنها مسئله ای که مهم است نوآوری است»

کلام آخر اینکه در این عصر سایه همای نوآوری بر سر هر ملتی افتاد، خوشبختی و سعادت آن ملت در این عصر تضمین شده است . پس از آنجایی که این دهه، دهه گذار از عصر صنعت به عصر دانش است می توان گفت کورس پایانی این مسابقه است که برنده و بازنده این مسابقه را مشخص می کند لزوم توجه، تحلیل، و بررسی سیاست گذاریهای انجام شده در زمینه (نو آوری) ضروری و حیاتی است.

پوشش اصلی :

سوال اصلی : سیاست نوآوری تحت تاثیر چه متغیر هایی از کارایی بیشتری برخوردار می -

گردد؟

فرضیه اصلی :

فرضیه اصلی : کارآمدی سیاستهای نوآوری مستلزم نگرش سیستمی است و به متغیرهای کلانی بستگی دارد.

روش ، مراحل و چارچوب پژوهش :

پس از پرداختن به مفهوم نوآوری و آشنایی با کلیات ادبیات نظری مربوط به نوآوری ، در این فصل مفاهیم مرتبط با سیاستگذاری عمومی و چگونگی نگاه این رشته به چنین مسائلی را مورد بحث و بررسی قرار می دهیم .

به همین منظور ابتدا به بررسی سیاست گذاری عمومی به عنوان یک شاخه اصلی در سیاست گذاری می پردازیم . در این قسمت تعاریف مختلف سیاست گذاری عمومی ، اهداف و نقش های آن ، ویژگی ها ، و قلمرو سیاست های عمومی همچنین انواع طبقه بندی های مختلف سیاست ها ارائه می گردد .

پس از تبیین مفهوم سیاست گذاری عمومی ، در ادامه با توجه به موضوع تحقیق ، سیاست نوآوری به عنوان یکی از سیاست های عمومی به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد . در ابتدا به فلسفه ی وجودی سیاست گذاری نوآوری ، اهداف و نقش آن و نیز اصول مربوطه و موضوعات اصلی در رابطه با این سیاست ها پرداخته می شود . سپس ملزومات و پیش نیازهای اولیه سیاست نوآوری و نیز طبقه بندی انواع این سیاست ها بررسی می گردد . با توجه به اهمیت سیاست نوآوری فرآیند تدوین سیاست ها ، چارچوب و مکانیزم های تدوین سیاست ، ابزارها ، و مراحل تدوین سیاست نوآوری مورد بحث و بررسی قرار می گیرد . در ادامه سیستم ملی نوآوری را به عنوان چارچوبی برای تدوین سیاست نوآوری مورد بررسی قرار می دهیم .

روش انجام مطالعه ، توصیفی - تحلیلی است و با بهره گیری از رویکرد نظام ملی نوآوری و تکنیکهای تحلیلی مربوطه به بررسی موضوع سیاست گذاری نوآوری می پردازیم و سعی خواهد شد که مراحل زیر دنبال گردد :

فصل اول : مبانی نظری نوآوری؛ در این فصل بررسی ادبیات موضوع برای رسیدن به یک چارچوب نظری در مورد نوآوری انجام می شود.

فصل دوم : سیاست گذاری عمومی و نگرش سیستمی به مسائل؛ در این فصل به بررسی سیاستگذاری عمومی و رویکرد سیستمی به مسائل پرداخته خواهد شد

فصل سوم : نگرش سیستمی به نوآوری: چارچوبی برای ساماندهی سیاست ها؛ در این فصل به بررسی رویکرد سیستمی به نوآوری و اینکه سیاست گذاری عمومی برای این عرصه چه راهکارهایی ارائه می دهد می پردازیم .

فصل چهارم : سیاست گذاری در سیستم ملی نوآوری؛ در این فصل به بررسی چگونگی سیاست گذاری نوآوری در سیستم نوآوری می پردازیم

فصل پنجم : سیستم ملی نوآوری ایران ؛ در این فصل به بررسی موضوع پیش گفته در ایران و بررسی سیستم نوآوری ایران می پردازیم. و در آخر (فصل ششم) به نتیجه گیری و ارائه راه کارهای سیاستی در جهت بهبود امور می پردازیم.

محدودیت تحقیق:

اولین محدودیت این تحقیق، میان رشته ای بودن آن است. به عبارتی محقق مجبور بوده است که با دید سیاستگذاری عمومی وارد حوزه مسائل علم و تکنولوژی و نوآوری گردد. این مساله به علاوه محدودیت زمانی باعث دو چندان شدن انجام کار شده است.

محدویت دیگر تحقیق ، کمبود منابع کتابخانه ای در این زمینه می باشد. به همین دلیل محقق مجبور شده است که از اسناد و منابع لاتین استفاده نماید . مشکل جستجو در منابع انگلیسی ، دشواری و طاقت فرسایی کار را دوچندان کرد .

پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق:

کتاب مستقل یا پایان نامه خاصی که این موضوع را به صورت مستقیم و مفصل بررسی کرده باشد، وجود ندارد. و همچنین به کتاب خاصی که با این عنوان چاپ شده باشد برخورد نکردم اما برخی کتابها و مقالات در ضمن مباحث اصلی خود به این موضوع پرداخته، و کم و بیش به آن توجه داشته اند وجه تمایز این پژوهش از سایر پژوهش ها بررسی مسئله از منظر سیاست گذاری عمومی است.

فصل اول

ادبیات نظری تحقیق

۱- نوآوری و تحولات جهانی ؛ نقش نوآوری در اقتصاد دانش محور

نوآوری از ضروریات عصر کنونی است به قول دراگر « تنها مسئله ای که مهم است نوآوری است » (ال میلر، ویلیام، ۱۳۸۳، ص. ۱۸). این بدین معنی است که تحولات اقتصادی که دنیا به ویژه در عرصه تحولات دانش و تکنولوژی شاهد آن است نوآوری را به عنوان مهمترین دغدغه یک موسسه یا سازمان و به تبع آن جوامع معاصر قرار میدهد. اهمیت این موضوع را می توان از میزان بودجه های اختصاصی به R&D و تحول تولیدات جدید و تلاش دائم برای بهبود فعالیت اجزاء مرتبط با سازمان دریافت .

میزان فعالیت یا حجم یک موسسه هر چند کوچک یا بزرگ باشد همه عناصر آن به دنبال پاسخ گویی مطالبات افراد (مشتری، نیروی کار و غیره) مرتبط با خود هستند . که این مهم از طریق خلق و آفرینش کالا و خدمات جدید با کیفیت برتر است . این چالش (نوآوری) بیشتر به تحولات شگرفی بر می گردد که دنیای اقتصاد شاهد آن است بیشتر سازمانها اکنون در دنیایی به سر می برند که تحول ، پیچیدگی تکنولوژیها و دانش و از همه مهمتر پیش بینی ناپذیری، از ویژگیهای بارز آن است

جهانی سازی اقتصاد ، انعطاف پذیری بازارها ، تحولات سریع تکنولوژی و تغییرات در تقاضا از مهمترین عواملی هستند که منجر به نوآوری می شوند . اقتصاد جدید بر رقابت پذیری شگرف مبتنی است که به دنبال فتح هر چه بیشتر مرزهای مبادلات تجاری و مالی و سرمایه های خارجی است . پس جهانی سازی از این منظر منجر به فتح بازارهای جدید و ظهور رقابت جهانی شد کما اینکه اقتصاد کنونی نیز شاهد تحولات سریع و خیره کننده ای در تکنولوژی است که منجر به دگرگونی و عدم ثبات در بازارها و نیز دگرگونی در صنایع می شود . به طوری که ساختار بیشتر صنایع هرچه بیشتر به سوی صنایع دانش و تکنولوژیهای برتر می رود .

در کنار این عدم ثبات تغییرات ریشه ای بزرگی در تقاضا نیز بوجود آمده است یعنی موسسات برای این ظهور پیدا کرده اند که پاسخگوی تعداد روز افزون تقاضاهای جدید مصرف کنندگان باشند ؛ زیرا مصرف کنندگان شروط متعددی را بر موسسات تحمیل می کنند و بر بهبودی دائم کیفیت و